

مقدمه: حرفه کتابداری در سطح جهانی در مواجهه با تکنولوژی جدید و تغییر شکل منابع اطلاعاتی، سمت و سویی تازه یافته است. آموزش عالی این رشته نیز طبعاً نمیتواند متاثر از این تغییرات نباشد. از آنجا که آموزش در دوران تحصیل دانشگاهی اساس مهارت یابی، تخصص و شغل می باشد، برنامه های درسی نیزمیبایست مورد بازنگری مداوم قرار گیرند تا همگام با این تحولات بتوانند نقش حیاتی خود را در جهان پویای پیرامون ایفا کنند و با کسب دانشها و مهارت های تازه بتوانند پاسخگوی نیازهای بازار کار باشند. مهمترین مشکل برنامه های درسی این رشته ایجاد توازن بین مباحث علمی و نظری با قابلیت های علمی و مهارت آموزی های حرفه ای است. بر اساس این پژوهش، برنامه های درسی مقطع کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی ایران با چند کشور منتخب، بر اساس مدل پیشنهادی ویلسون جهت بررسی برنامه های درسی، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

روش پژوهش: دریک پژوهش پیمایشی-تطبیقی، برنامه های درسی دوره کارشناسی ارشد کشورهای ایران، هند، آمریکا و انگلستان (از هر کشور ۲ برنامه درسی) از سایت اینترنتی دانشگاهها اخذ گردید. سپس با توجه به سر فصل دروس آرایه شده، میزان انطباق هر کدام از برنامه های درسی با مدل پیشنهادی ویلسون، با استفاده از روشهای آمار توصیفی بررسی گردید.

یافته ها: بیشترین میزان انطباق برنامه های درسی مورد تحقیق با مدل ویلسون، برنامه درسی دانشگاه شفیلد با میزان انطباق ۶۰٪ بوده که جامع ترین برنامه درسی به لحاظ غنای آن و گنجانیدن موضوعات متنوع در برنامه های درسی خود میباشد. دانشگاههای پیتسبورگ، کارولینای جنوبی، ملی ایندیانا گاندی، تهران و علوم پزشکی تهران با میزان انطباق ۴۰٪ در رتبه دوم و دانشگاه سیتی لندن و پنجاب با میزان انطباق ۳۳٪، کمترین میزان انطباق را با مدل ویلسون داشته است. حوزه محتوای اطلاعات در برنامه درسی تمامی دانشگاهها، نقشی غالب داشته است که دراین حوزه بیشترین و کمترین پوشش موضوعی مربوط به برنامه درسی کشور ایران (۵۰٪) و انگلستان با ۱۱/۱٪ می باشد. درحوزه مردم، بیشترین و کمترین پوشش موضوعی مربوط به برنامه درسی کشورهای انگلستان (۱۸٪) و ایران (۱۱/۱٪) می باشد. درحوزه نظام های اطلاع رسانی نیز بیشترین و کمترین پوشش موضوعی مربوط به برنامه درسی کشور ایران (۲۷/۸٪) بوده و انگلستان با ۲۳٪ می باشد. درحالیکه درحوزه سازمانها، بیشترین و کمترین پوشش موضوعی مربوط به برنامه درسی کشور انگلستان (۲۱/۵٪) و ایران با ۱۱/۱٪ می باشد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج تحقیق، بر اساس مدل ویلسون برنامه های درسی ایران، از غنای مناسبی برخوردار نبوده و تمام حوزه ها را پوشش نمیدهد و جهت گیری غالب به سمت برنامه های درسی حوزه محتوای اطلاعات، می باشد. به نظر میرسد برای تربیت دانش آموختگانی که بتوانند پاسخگوی نیازهای جدید بازار کار باشند، روزآمد نمودن برنامه های آموزشی در جهت غنابخشی و پرداختن به تمام حوزه های موضوعی اجتناب ناپذیر است.

کلید واژه ها: برنامه درسی، مدل سازی اطلاعات، آموزش